

دكتور «سعيد افغانى»

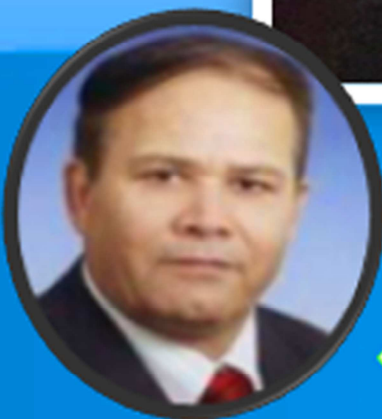


ديزاینر: الامام سلیمان بن عبد الوہاب

Ketabton.com

۱۳۹۵

نوشته از: مولوى محمد هاشم «كامه وال»
مهتم: امين الدين «سعيدى - سعيد افغانى»



www.masjed.se

بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر مختصر درباره شخصیت

مرحوم الحاج دوکتور محمد سعید (سعید افغانی)

مولوی محمد سعید صاحب که پسر ارشد جناب مولانا علامه عبدالمجید مشهور به خطیب مولوی صاحب (خطیب مسجد جامع شهر تیگری مرکز ولایت لغمان) که فعلاً به شهر مهتر لام شهرت یافته، مییاشد.

تعلیمات ابتدایی از نظم و نثر دری و مبادی فقه، عبادات، صرف و نحو و رساله های علم منطق را از والد امجد خود تحصیل کرده بودند. در ملیت پشتون به شاخه عمرزائی از قبيله وقوم مشهور صافی - پشتون انتساب داشتند. تحصیلات رسمی را در مدرسه عالی دارالعلوم عربی کابل به انجام رسانیدند.

بنده در سال 1328 - 1329 هـ. ش. که محصل مدرسه قضات عدلیه و بعداً مدرس آن مدرسه بودم باشخص محترم مولوی صاحب محمد سعید آشنا، دوست و هم مسلک گردیدم. جناب شان بعد از فراغت در همان مدرسه در دارالعلوم عربی استاد مقرر شدند. در آنوقت استاد شدن در مدرسه دارالعلوم جهت بدیهی عالم بودن شخص بشمار می رفت. استادان بزرگ مرحوم این مدرسه شخصیت های برآزنده علمی، جامع علوم منقول و معقول بودند که نظیر و مثل آنها کنون در حجاب شد و ذوندت است. فارغ التحصیل این مدرسه رامولوی خطاب میکردند و می گفتند. لهذا درمقدم اسم نامی دوکتور صاحب کلمه مولوی رانوشته ام. بعداً جناب شان به حیث مدیر مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ولایت ننگرهار که درقریب جوار مرقد مبارک علامه نجم الدین مشهور به صاحب هده، شیخ طریقه قادریه درقریه هده درجنوب شهر جلال آباد (مرکز ولایت ننگرهار) موقعیت داشت، مقرر گردیدند که بعداً تبدیلا به حیث عضو مسلکی ریاست تدریسات ثانوی مرکز وزارت معارف مقرر شدند درین مرحله در عین حال در لیسه عالی استقلال وظیفه تعلیمی نیز داشتند. درین مدت بنده نیز به حیث معلم مضامین عربی و دینی درلیسه استقلال کابل مصروف وظیفه تدریس بودم. درین مدت طبعاً در هنگام فراغت و تفریح به ملاقات همدیگر و احیانا مباحثه علمی کیفیت مسرت آمیز راحاصل می نمودیم. مرحوم باردیگر به حیث مدیر مدرسه نجم المدارس مقرر گردیدند.

درهمین دوره ثانی چنان اتفاق افتاد که ماه مبارک رمضان رسید و پادشاه وقت در جلال آباد بودنددر مسکن شاه باغ کوکب سرشته ختم قرآن کریم در اثنای نماز تراویح که در مذهب حنفی عبادت های مسنونه است، گرفته شده بود. بعضی از علمای مشهور ننگرهار دعوت شده بودند در آن ختم قرآن کریم اشتراک ورزند. مدیر صاحب نجم المدارس مولوی محمد سعید افغانی با چند نفر استادان مدرسه نیز در آن ختم شرکت کرده بودند. در شب اخیر ختم طوریکه تعامل است سخنرانی های اجتماعی و موعظه دینی ایراد میگردد و مولوی صاحب محمد سعید سعیدافغانی صاحب فرصت راغنیمت دانسته بحضور پادشاه آیه قرآن کریم راتلاوت، ترجمه و تفسیر نمودند. از اثر درد دل که با امور وطن و بهبود آن برای بهبود اهل وطن داشتند به جرئت حق گوئی ضمناً خطاب به پادشاه گفت: اگر چه درقانون اساسی ذکر گردیده پادشاه شخصا واجب الاحترام و غیر

مسئول اند آیا شما فرمانی را صادر کرده اید و از علماء و خطبا خواهش کرده اید که به یادداشت کلمه بنده خدا (ج) در خطبه بشما دوعا بکنند و بنده طبعاً شرعاً به نزد خالق رب العالمین مسئولیت داشته می باشد بلکه در ذهنیت عامه کافه ملت و رعیت نیز مسئولیتی دارید. خواهش میکنم شخصاً نیز قبول زحمت فرموده به امور اداره عامه وطن توجه داشته باشید، جلو خود سربهای بعضی مامورین بزرگ را گرفته باشید. فردای آن مولوی صاحب را وزارت معارف خواسته و به حیث معلم مکتب ابتدائی در شهر کابل مقرر شدند.

مولوی صاحب به صبر و استقامت ازین امر اطاعت کردند و کوشیدند تا شرایطی مهیا شود و برای تحصیلات عالی به پوهنتون ازهر شریف به کشور جمهوری عربی مصر - قاهره اعزام شوند که به مقتضی آیه کریمه «**عسی ان تکرهوا شیاً وهو خیر لکم**» بالاخره این آرزو بر آورده شد و به قاهره جهت تحصیلات عالی به پوهنتون ازهر شریف اعزام شدند.

در پوهنتون ازهر شریف سوابق و اسناد تحصیلی علمی مولوی صاحب که عبارت از شهادتنامه دارالعلوم عربی آن وقت کابل بود ملاحظه نمودند این شهادتنامه براسمای کتب از علوم و فنون عقلی و نقلی مشتمل قرار ذیل بود.

صنف پنجم :

- 1- شرح ملا عبد الرحمن جامی بر متن کافیه ابن حاجب در علم نحو،
- 2- کنز اخیر از بیع تا فرایض - در علم فقه - معاملات،
- 3 بدیع المیزان - رساله علم منطق ارسطو،
- 4 - رساله جذری در علم تجوید،
- 5 - قصیده برده در علم ادب و نعت آن حضرت صلی الله علیه وسلم،

صنف ششم:

- 1- شافیه ابن حاجب در علم صرف و خط،
- 2 - قطبی علم منطق،
- 3- نورالانوار علم اصول فقه،
- 4 - سبعه معلقه از ادب،
- 5 - شرح نخبته الفلر از اصول،

صنف هفتم:

- 1- هدایه اول تا کتاب وقف از فقه شریف،
- 2- جامی از اصول فقه،
- 3- سلم العلوم ومیرزاهد قطبیه از علم منطق،
- 4- مقامات حریری از ادب،

صنف هشتم:

- 1 - میبذی شرح هدایتیه الحکمت از فلسفه طبیعی والهی،
- 2 - مختصر المعانی شرح تلخیص المفتاح از معانی و بیان وبدیع،
- 3- تحریر اقلیدوس، هندسه،
- 4- میرزاهد ملا جلال، منطق،

5- جلالین شریف، تفسیر مختصر،

6- دیوان متنبی، در ادب،

صنف نهم:

1 - هدایه اخیر از بیع تا و صایا

2 - مشکوه شریف

3 - شرح عقاید نفی و

صنف دهم:

1 - جامع صحیح ترمذی و جامع الداوود

2 - مطول تفتذانی

3 - حمد الله

4 - تصریح الافلاک

صنف یازدهم:

1- قاضی مبارک

2- شرح چغمینی

3- صحیح مسلم شریف

4- مدارک التنزیل

5- مسلم الثبوت

6- اصول فقه

7- تاریخ الخلفا از علامه جلال الدین سبوطی،

صنف دوازدهم:

1- بیماری

2- صحیح بخاری کامل

3- تلویح و تو صیح

4- میرزاهد برامور عامه

از شرح مواقف علم کلام و عقاید.

فقه کامل معاملات،

علم حدیث،

علم کلام و عقایدخیالی حاشیه آن،

علم حدیث،

معانی،

شرح حصه تصدیقات سلم العلوم،

علم ریاضی و هیت،

شرح حصه تصورات سلم العلوم،

علم ریاضی و هیت،

علم حدیث،

تفسیر،

علم تفسیر،

علم حدیث،

اصول فقه،

شاید بعضی از کتب را فراموش کرده باشم به هر حال به ملاحظه این سند عالی و مهم علمی طوریکه از زبان فصیح البیان مولوی صاحب شنیده ام، هیت تدریسی و ممتحنه پوهنتون از هر فرمودند که شما نصاب تعلیمی مرادف پوهنتون از هر را تحصیل کرده اید اما ما امتحان می گیریم ، بعد از موفقیت در امتحان گفتند که محاوره و مذاکره به لسان عربی وارد نمی باشید شمارا در صنف سوم فاکولته شرعیات پوهنتون از هر شریف به



کمال رضایت و استحسان قبول داریم بعد از آن موفق شد که درجه دوکتور را حاصل نمود.

مقصد فیض تحصیل نصاب تعلیمی دارالعلوم آن وقت برایش رسید ، شاید بابعضی افراد دیگر از محصلین افغانی فارغ التحصیل دارالعلوم کابل نیز این رویه در پوهنتون از هر شده باشد در ستیز دوکتورای آن مرحوم کتاب «شیخ عبد الله الهروی الانصاری الافغانی» و ارایه به عربی بعد از تتبع مطالعات که در اطراف شیخ الاسلام هرایتی نوشته بودند و لقب

فوتو هذا از محصلین افغانی جامعه الازهر مصر میباشد که در (روز شنبه 17 سپتمبر سال 1966 در تر مینل میدان هوایی قاهره کشور مصر) اخذ شده است. از چپ به راست (قطار ایستاده) استادشید برهان الدین ربانی ، استاد جوهر صدیقی، استاد حبیب الرحمن جدیر ، مرحوم دکتور محمد سعید سعید افغانی (پدر بزرگوارم) ، استاد مرحوم وفی الله خان سمیعی ، استاد حبیب الله غالب ، داکتر سید جان بیان قطار نشسته ؛ از چپ به راست استاد عبد الحکیم خان ، استاد نعمت الله شهرانی ، استاد محمد اکبر ضیایی ، استاد عبد الرشید ملاخیل ، استاد مرحوم محمد صدیق سیلانی ، استاد داکتر احمد خطیبی ، استاد یاقوت؛ استاد محمد حبیب سراج و استاد عبد الجبلی یوسفی.

.....

علمی دوکتورا راکسب کردند که از آن بعد به دوکتور محمد سعید سعید افغانی یاد می شد.

هنوز به مصر تشریف نه برده در کابل در مدرسه دارالعلوم مدرس بود ند که در آن هنگام یکی از علمای کشور مؤرخین ایران به کابل تشریف آورده بودند و به سعید نفیسی شهرت داشتند مولوی صاحب ازینکه نام شان سعید بود خود را تخلص سعید افغانی اختیار کردند من در یک ملاقات برایش گفتم چه خوش است که اگر ایران سعید نفیسی دارند افغانستان هم

سعید افغانی را بروز داد. به تبسم گفت خداوند توفیق خدمت علمی بدهند که به مردم خویش خدمت کرده بتوانیم.

جناب شان باداشتن چنان سرمایه هنگفت علمی و ذوق مطالعه خصوصاً درباره افکار و تالیفات شیخ عبدالله الانصاری شکی نه مانده است که دست طولانی در معلومات عرفانی و تصوف پیدا کردند و موجب وسعت افق نظر علمی گردیده و گاهی در ضمن مقاله ها به نداوی درد های اهل وطن به تذکر از مطالب صوفیانه عالمانه و عاملانه می پرداخت . بعد از عودت به وطن عزیز با وجود آنکه معقول و مناسب به صاحبان قدرت اداری وقت خصوصاً معارف و پوهنتون آن وقت بود که از دفاتر علمی دوکتور صاحب در فاکولته شریعت استفاده کنند اما به دارالمعلمین عالی مقرر شد جناب شان کتابی در سوانح علامه سید جمال الدین افغانی نیز تألیف کرده اند. آقای سید مرحوم مایه افتخار علمی افغانی و پیشوای نصیحت آزادی بخش عالم شرق و اسلام بود. طبعاً قسمتی از خصائص نیک علمی او در مغز بیدار دوکتور صاحب جا گرفته بود. خدمت قلمی علمی خود به ترتیبی و کیفی که میدانست و می پسندید نقش قدم علامه سید افغانی را تعقیب می کرد کسیکه می فهمید می فهمید ورنه ... جناب دوکتور را در دوره جمهوریت محمد داوود که دوکتور عبد المجید وزیر عدلیه و متصدی اداره قضا بودند و دوکتور صاحب را از سابقه داری زمان وزیر معارف بودنش معرفت داشت به عضو شورای عالی قضا مقرر کردند که در عین حال تنظیم اداره محکمه عالی محاکمه قضات رابه صداقت و امانت بدست داشت و از توجه به حقایق و آثار عاطفه بشری که خاصیت طبیعی اش بود بامتهمین قضایا صرف مطابق قانون معمول رفتار کرده می شد.

بنده به حیث رئیس دیوان حقوق عامه در محکمه عالی استیناف مرکز و در عین حال رئیس دیوان محکمه مرافعه مماثل تجارتي و استیناف مماثل جزائی نیز بودم. روزی به معیت محترم محمد انور واحدی رئیس عمومی استیناف مرکز بمنظور تقدیم استهدا در یک موضوع حقوق عامه به شورای عالی قضا رفته بودم شورای عالی دایر شد ریاست آنرا محترم دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه تنظیم می کرد. اراکین شورای عالی حضور بهم رسانیده بودند بعضی از رؤسای دوائر قضا نیز حضور داشتند البته به اجازه وزیر صاحب می آمدند. قبل از آنکه پیشنهادیه موضوع حقوق عامه را تقدیم مجلس کنیم روی یک موضوع دیگر آغاز گردید رئیس ریاست محکمه ابتدائیه مامورین (عبدالله حاتم) استمدا کرده بود که یک نفر تحویلدار مستخدم هتل متهم بوده که بوتل الکهل دار راتلف نموده و خارنوال در دعوی خویش از او مطالبه جبران خساره الکل کرده والکل نظر به مقررات شرعی و فقهی، قیمت ندارد. تملیک آن ممنوع است وزیر صاحب تمام مجلدات

قانون مدنی را که تازه نافذ شده بود مطالبه کرد ولی از ملاحظه آن حل مطلب کرده نشد. یکنفر از اعضا مجلس که عضو اصلی شورای عالی نبود گفت مال دولت تلف شده متهم به جبران خساره محکوم شود دوکتور صاحب در برابر او گفت که حکم شریعت و مذهب دارایی خساره دولت متروک العمل کرده نه می توانیم روی این مباحثه صداهای جانبین بلند تر گردید آن یکی شیدا ترصبغه طبیعت وزیر صاحب بود و دوکتور صاحب علاقه تحکم حکم مذهبی و شرعی داشت. درینصورت حکم جبران خساره خمر ضایع شده گویا بالای آن متهم فروخته شده تلقی می شد (کتاب هدایه اخیرجلد3) راملاحظه کردند از الفاظ شرح هدایه تحت عنوان بیع فاسد صفحه 45 بکمال وضوح ثابت شد که نظر یه دوکتور صاحب موافق فقه حنفی بوده و به حکم قانون تعاملی در موضعیکه حکم قانون وضعی واضح نباشد از هدایت اصول کلی فقه اسلامی خصوصاً حنفی استفاده بعمل می آید، محکمه به آن تمسک کند، اما نفر دیگر به حاشیه 5 در صفحه 45 نظر انداخته که در آن نوشته بود خمر مال است مطلقاً عند البعض ای اهل الذمه و خارج سطور حاشیه این صفحه 8 کلمه هم نوشته بود که (ای عندنا ایضاً) حواله به رمز حرف کاف که کتاب کافیه از آن مراد باشد نوشته بود باز هم دوکتور صاحب به عین الفاظ هدایه تمسک کرده گفته اوراثر دید می کرد. اینجا یک رمز علمی است که در اصطلاحات رسم المفتی ذکر است. مسایل متذکره در متون و باز در شروح اهمیت قابل ترجیح بودن برای عملی شدن دارد و مسایل حواشی در درجه سوم است.

یعنی دوکتور صاحب به این قاعده افتنا متوجه بود. تغییرات در رنگ به دلالت خشم آلوده پیدا کرد. جناب وزیر صاحب طرفداری نفر مستشار عدلی خود را کرده به دوکتور صاحب گفت بحث را خاتمه بدهید شما گذاره نه میکنید. در این مرحله من گفتم که محکمه در صدور حکم از مائعات الکلی هیچ تذکری را ندهد و بوتل هائیکه از شیشه بوده و مال دولت است ضیاع آنرا فقط مدنظر گرفته متهم را تعزیرا به جریمه نقدی و قیمت بوتل ها محکوم کنند.

دوکتور صاحب بخود تکلفاً فرصت پیدا کرد و کتاب اشارات و منبهات تالیف شیخ ابوعلی سینا (رح) را به دری ترجمه کرد و به پوهنتون تاشکند تقدیم کرد و از آن پوهنتون مستحق جائزه این سینا شناخته شد که وسعت معلومات او را در فلسفه طبیعیات والهیات به اثبات می رساند مدتی در عین حال سرپرستی و ریاست شورای علماء و روحانیون افغانستان را نیز و ارسی میکردند بعداً به توجه دولت ریاست شورا علماء به تشکیل جداگانه مربوطه به ریاست شورای وزیران منظور گردید و دوکتور صاحب به حیث رئیس آن اداره مستقل مقرر شدند و به ریاست شئون اسلامی مولوی عبدالولی حجت که یکی از شاگردان دوکتور صاحب اند، مقرر شد.

بالاخره دوکتور صاحب به نسبت مریضی که عاید حالش بود توان جسمی اش ضعیف و ضعیف شده و با وجود مریضی و علالت مزاج کتاب «خطر جنگ ذروی» را بمناسبت دومین کنفرانس عمومی شورایعلماء و روحانیون تحریر و به نشر میرساند. در سال ۱۳۶۳ «سیره مختصر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم» را بنامی آنحضرت صلی الله علیه وسلم تالیف نموده که در سالگرد میلاد النبی صلی الله علیه وسلم سال ۱۳۶۳ هـ ش، توزیع گردید. اخیراً در حوت ۶۳ برای دوکتور صاحب مریضی قلبی نیز عاید گردید که در شفاخانه نظامی چهارصد بستر - کابل بستری شد.

با وجود صرف مساعی جمیله دوکتوران مؤظف و توجه مقامات عالیه دولت متبوعه جمهوری افغانستان داعی اجل را لبیک گفته جان را به جان آفرین سپردند.
«انا الله و انا الیه راجعون»

مراسم تشییع جنازه مرحومی با توجه مقامات صالحه دولت و صدر محترم هیئت رئیسه دولت بکمال اعزاز آغاز و انجام گردید. جنازه شان با اعزاز تمام در مسجد جامع پل خشتی ادا گردید و در جوار مرقد حضرت تمیم انصار (رح) مطابق وصیت خودش در مقبره مشهور و عام شهر کابل بنام شهدا صالحین تدفین شدند.
در تشییع جنازه مرحومی عده کثیری و جمع غفیری از اقارب، احباب و علاقه مندان مرحوم و امران بزرگ دولتی و کارمندان رسمی حضور داشتند. بالای مرقد مبارک او نخست جناب شیخ القرآن افغانستان قاری الحاج محمد عمر خان امام ارگ جمهوری سورۀ قرآن پاک را تلاوت نمودند. بعداً مولوی محمد سالم علمی به نمایندگی از جبهه ملی پدر وطن که جناب دوکتور صاحب یکی از معاونین ریاست جبهه ملی بودند خطابه مفصل ایراد کردند. به تعقیب آن مولوی عبدالولی حجت رئیس شئون اسلامی دولت افغانستان در اطراف شخصیت علمی دوکتور صاحب خطاب و ایراد فرمودند و وفات او را یک ضایعه علمی در حلقه روحانیون نه تنها در افغانستان بلکه در منطقه خواندند. مرحومی با داشتن افکار پیشرو و استحکام رابطه دیانت و مدنیت، حب وطن و سعادت خواه اهل وطن مانند آیت الله مرحوم سید محمود تالقانی ایرانی تشخیص کردند و بعد سوانح مرحومی خوانده شد. فاتحه و دعاء خوانی در حق مرحومی برای دوم روز در مسجد جامع شیرپور گرفته شد. در روز دوم در هیئت قبول فاتحه به روح مبارک ایشان معاون ریاست شورا مرکزی از جبهه ملی شاغلی بارق شفیعی، آقای مولوی حجت به نمایندگی از شئون اسلامی و معاونین شورا علماء و روحانیون به نمایندگی از ریاست شورای علماء و روحانیون و نیز فرزندان ارجمنداش از جمله امین الدین سعیدی (پشتون سعیدی) و نجم الدین سعیدی و محترم جنرال متقاعد عبدالقهار خان مامایش و محترم مولوی نقیب الله سابق رئیس محکمه ولایت بادغیس و برادران دیگرش اشتراک داشتند.

در روز دوم فاتحه (حوت ۱۳۶۳) بعد از اینکه مجلس فاتحه خوانی انجام یافت بنده جرئت اخلاقی نمودم بیاس لطف دوکتور مرحوم که با من داشتند نسات مخلصانه و صادقانه او را که در خدمتگذاری خصوصاً در امور دینی به اهل وطن عزیز داشتند و در صحن صحبت های علمی که گاه گاه از بسا اسرار دقیق در مسایل غایبه از علوم مختلفه اظهاراتی میکردند و به همین منظور خدمت در امور اجتماعی و دینی اینجانب به اثر جاذبه روحانی و فضیلت علمی خویش وادار تا به صفت معاون اقلماً برای مدت یکسال همراه او در ریاست شورای علماء و روحانیون کار بکنم، لازم دانستم سخن چند مختصراً به حضار محترم بیان نمایم. لهذا به زوات محترم بارق شفیعی صاحب ومعاونان شورا علما و اعضا مسلکی آن اقارب مرحومی خطاب نموده بعد از استیذان در حالیکه جمعیت بزرگی از علاقه مندان فاتحه کنندگان استاده بودند گفتم حضار محترم من جناب دوکتور صاحب را عمیقاً معرفت داشتم دوکتور صاحب شخصیت جامع الکمالاتی بود و مردم جهان سابق تا حال به دو دسته تقسیم شده اند برخی از هدایات و نصائح حضرات انبیاء عظام پیروی میکنند و برخی دیگر از افکار طبقه فلاسفه - از نگاه فلسفه

انسان در آخرین مرحله تکاملی جسم طبعی موقعیت دارد و در بدو آفرینش خود دارنده عقل در مرتبه هیولایی شده بعداً به تدریج به قوه مرتبه عقل عدم بالملکه (تحصیل مجول به استفاده از علوم می رسد و کسیکه به مرحله نهائی این مرتبه عقلی برسد او را صاحب قوه قدسیه می نامند که اکثر حقایق اشیاء نیز در او معلوم و مشعر بالفعل می باشد).

دوکتور صاحب در نظر من صاحب قوه قدسیه بود او از نفس خویش بر آمده و گذشته بود. دائماً در فکر حصول سعادت و آرامی برای کافه بشر بود بالخصوص برای اهل اسلام و اهل وطن محبوب خود از تالیفات، آثار، تحلیل ها، صحبت ها و سایر نوشته های او چه در فلسفه چه در تصوف و چه در اجتماعیات به درجه وضوح ثابت است.

کتاب خطر جنگ وی را که تحریر کرده، اسباب موجب دو جنگ عمومی گذشته را در آن بیان و از خطر جنگ سوم که در آن حتماً سلاح ذروی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و موجب تباهی نسل بشری گردد، علاقه شدید او را به حفظ بشریت ازین فاجعه بزرگ نشان میدهد. خداوند (ج) به فضل و کرم خود عالم انسان را از آن نجات بدهد و از نگاه پیروی از اصول و فروع دین مقدس اسلام و در احکام فروغ از مذهب حنیفی رح شخص به مقام رسیده به نظر می رسد که داری نفس مطمئنه شده بودند مومنی که دارای نفس مطمئنه باشد او آغاز دوران زندگی مترقی دیگری اوست که بفضل و مرحمت باری تعالی واجب الوجود که اهل تصوف و عرفان از ذات اقدس و به کلمه علت العلل تعبیر کرده اند، روح چنین مؤمن متوفی را لطفاً مخاطب می فرمایند:

« يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي » (یعنی انسان موقنه یعنی انسان اگر چه مسلمان باشد گاهی دارنده نفس اماره (سرکش و طاغی) و گاهی دارنده نفس موقنه می باشد و اصیان نشیب و فراز تنازل و ترقی را دیده داری نفس لواحه می شود و آنانیکه منعم به نعمت هدایت حقه، حق تعالی کردند از حالت مطمئنه روبه ترقی شده به مقام راضیه و مرضئه می رسند.

من بشما به عرض میرسانم چندی قبل در همین مسجد جامع شیرپور از طرف ریاست محترم شئون اسلامی به بذل عاطفه مقامات صالحه دولت به علماء و خطبای مساجد جامع یک ماهه معاش طبق معمول همه ساله توزیع شد من هم درین جمله بودم بعد از فراغت به دفتر دکتور صاحب ریاست شورای علماء و روحانیون به غرض ملاقات او رفتم حینکه مشرف شدم دو به دو بودیم من هم مریضی کرده ها و غیره داشتیم مدتی در شفاخانه علی آباد بستری شده بودم از من پرسان کردند که صحت شما چطور است خوب هستید من گفتم دوره تکلیف دهنده مریضی ام سپری شده آثار ضعف آن باقی است اما کیفیتی عارض حال من است که به مریضی ام شدت هم پیدا کند متاثر نمی شوم از اینکه بیشتر توجه بنده را به سفر آخرت به میان می آورند و خداوند(ج) توفیق اظهار توبه میدهد این زحمت مریضی به نعمت عرفانی برابم مبدل میگردد و از موت هیچ خوف در دلم وارد نه میگردد - چه صحابه بزرگ جلیل القدر دوعا می فرمودند:

« اللهم حبيب الموت الي من بعلم ان سيدنا محمداً عبدك ورسولك بالحق » جناب

دوکتور صاحب فرمودند که مدت دو هفته می گذرد که من وقتی بعد از نماز خفتن به بستر می روم گرچه بزبان حرفی نه گویم اما قلب روح من خداوند (ج) را بیاد می آورد،

و خواهش سفر عقبی میکند اما وقتی از طرف صبح برای وظیفه رسمی به دفتر می آیم به مجرد آنکه درین چوکی بنشینیم و کس در نزد من نباشد از بالای من نیز این سؤال حسن خاتمه حیات این جهان فانی با افتخارات عقائد حقه و نور ایمان کامل برمی آید. به هر حال به رحم و کرم خداوند (ج) امیدوار هستیم و اینک مدت (15) روز پوره نگردیده که دوکتور صاحب جان را به جان آفرین تسلیم نمودند.

شخصیتی بود دارنده عواطف و احساسات بشری خیر خواه و مردم دوست صلح و امنیت پسند طرفدار سرسخت در مقاومت و دفاع از عقائد حقه اسلامی چنانچه در موقعی که برای اخذ جایزه ابن سینا به تاشکند رفته بودند در یکی از جوایز رسمی آن جمهوریت اسلامی در باره شخصیت او ارقام داشته بودند که دوکتور سعید افغانی دارای احاطه وسیع علمی از اجتماعیات و اخلاقیات می باشد.

جناب شان طرفدار و معتقد دیانت اسلامی و اقتصادی برای رفاهیت جامعه هستند، در دفاع از حقایق و معتقدات اسلامی مقاومت سر سخت دارند در یکی از سفرهائیکه از نزد اش پرسیان کرده بود که به موجودیت متافزیک (ماوراء الطبیعه) چه حاجت ضرورت است بمن مکاتبه بیان نمود که من در جواب آن شخص گفتم به اینکار از ماوراء الطبیعه چه حاجت و کدام ضرورت است نفر مذکور در حالت بهت و حیرت ماند و گفت من فکرمیکردم که جواب سوال من دشوار است همچو تو عالم به من روشنی خواهد انداخت اما تو سوالی کردی که پاسخ آن برای من نیز بسیار مشکل و صعب است لهذا به عرض می رسانم که جناب دوکتور به زنده گی نوبتی و مترقی آغاز کردند طوریکه حضرت مولنا جلال الدین بلخی (رح) می فرماید:

از جمادی مردم و نامی شدم	مردم از نامی به حیوان سر زدم
مردم از حیوان ومن آدم شدم	چون بترسم من زمردن کی کم شدن
باردیگر سر پرارم از بشر	تا پرارم از ملانک بال و پر
جستنی دیگر کنم من سوی جو	کل شئی ها لک الا و جـهـه

جناب دوکتور صاحب آخرین تألیف خود را راجع به سیره حضرت سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم تحریر کرده و از رویه اخلاقی و طرز اداره حیات نبوی صلی الله علیه وسلم به طور مختصر و جامع تفصیلاتی داده اند. ذوات طرف علاقه این وظایف اجتماعی را به آن نصائح گرانبها مورد التفات کردن آرزو کرده است که خاصیت حمیزه او را یعنی مدنیت دیانیت خواستن تمثیل و تبلیغ میکند. ما امید واریم به فیض و برکت پیروی از اخلاق عالی حضرت پیغمبر اسلام صحابه کرام، تابعین عظام، عرفا اهل الله (ج) که به مرحوم دوکتور صاحب ذوق و صمیمیت داشتند خداوند رؤف و مهربان او را مورد غفران نموده ساکن ببحوحه جنان بگردا ند. **آمین یا رب العالمین.**

در باره وفات آن شخصیت گرانمایه باید گفت «د دیرو پلار وه، دیر تری پاتی یتیمان» یعنی در اثر وفات حسرت ناک او همه علمای افاضل دینی و همه دانشمندان اهل قلم از اهل وطن کسانیکه او را از نزدیک ملاقات کرده بودند و میشناختند از صدر محترم هیئت رئیسه دولت جمهوری افغانستان گرفته تا طبقه جوانان و خوردان متأثر و متأسف هستند و وفات شان را یک ضایعه بزرگ روحانیت وطن محسوب خوانده و گفته اند:

باوجود آن من برای آنان، اقارب و سایر اعضای فامیل نجیب شان صبر، حوصله، استقامت و تسلیت و اطمینان قلب از رب المنان استدعا دارم و خواهانم و در مطابقت به آیه مبارکه که « انا لله وانا اليه راجعون » درد فراق ظاهری او را تداوی کرده باشند و به مزده آنها « إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِعَيْرٍ » از بارگاه رب الارباب متمنی باشند و به نعمت اتفاق و داشتن رویه احترام بزرگان و شفقت بر خوردان در ذات البین خودها مقدم باشند.

اونه مرده به حیات جاوید به زندگانی مترقی آغاز کردند طوریکه مولنا جلال الدین بلخی (رح) در جای دیگر فرموده اند:

بر امید راه بالا در قیام	پیرو سنت خیر الانام
لب فروبندم از طعام شراب	سوی خوان آسمان دارم شتاب
دمبدم از آسمان می ایدم	آب و نان رزق می افزایدم
ننگرم در عجز امیدم در طلب	تومرا آنجابری پسس چه عجب
این طلب در من گروگان خداست	ز آنکه هر طاب به مطلوبی سزااست
جهد کنم تا این طلب افزودن شود	تا دلم زین چاه تن بیرون شود
خلق گوید مردان مسکین فلان	من بگویم زنده ام ای غافلان
گرتن من طاق و تنها خفته است	هست جنت بردلم بشگفته است
می زندجان در جهان آبگون	نعره یا نیت قومی یعلمون
چون نخواهد زیست جان بی این بدن	پس فلک ایوان او چون خواهد شدن
گر نخواهد بی بدن جان تو زیست	فی السماء از قلم روزی کیست
آن خدای خوب کارو برد بـ	هـدیه ها را میدهد درانتظار
ای مسلمان انتظار الا انتظار	از برای خوان بالا مرد وار
چون جناب دوکتور صاحب از علمای با معرفت و علاقه مند عرفان بود به شعار او نیز	چنین گفتار روان قبول باید کرد:
مرغ باغ ملکوتیم درین دیر خراب	می شود نور تجلی اخدا دانه ها
با احد در لحد سنگ بگویم ای دوست	آشنای توام و غیره تو بیگانه ما
گر نکیراید و پرسد بگو که رب تو کیست	گویم آن ذات که ربوده است دل دیوان ما
شکر الله که نمردیم و رسیدیم به دوست	آفرین باد برین همت مردانه ما

در آخر دوعا قرآنی میکنم « ربنا اغفر لنا ولا خواننا الذین سبقونا با یمان وتجعل فی قلوبنا غیر الذین آمنو ربنا انک رؤف الرحیم - ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و قنا عذا بالنار - اللهم اغفرو ارحمه واسبق شراره واجعل الجنة مسواه آمین یارب العالمین

الحاج مولوی محمد هاشم کامه وال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**